

### بر بال خیال

### من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم

من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم
چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم
فارغ از خود شدم و کوس اناالحق بزدم
هم چو منصور خریدار سر دار شدم
غم دلدار فکنده است به جانم، شری
که به جان آمدم و شهره بازار شدم
در میخانه گشایید به رویم، شب و روز
که من از مسجد و از مدرسه، بیزار شدم
جامه زهد و ریا کندم و بر تن کردم
خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم
واعظ شهر که از بند خود آرام داد
از دم رند می آلوده مددکار شدم
بگذارد که از بکنده یادی بکنم
من که با دست بت میکده بیدار شدم
امام خمینی(ره)

### خالی تر از همیشه

با پای دل قدم زدن آن هم کنار تو
باشد که خستگی بشود شرمسار تو
در دفتر همیشه من ثبت می شود
این لحظه ها عزیزترین یادگار تو
از هر طرف نرفته به بن بست می رسیدم
نفرین به روزگار من و روزگار تو
تا دست هیچ کس نرسد تا آید به من
می خواستم که گم بشوم در حصار تو
احساس می کنم که جدایی نموده اند
هم چون شهاب سوخته ای از مدار تو
آن «کوچه تپی» منم آری که مانده ام
خالی تر از همیشه و در انتظار تو
این سوت آخر است و غریبانه می رود
تنهاترین مسافر تو از دیار تو
هر چند مثل آینه هر لحظه فاش تر
هشدار می دهد به خزانه بهار تو
اما در این زمانه عسرت، مس مرا
ترسم که اشتباه بسنجد عیار تو

محمدعلی بهمنی

### باز هم جمعه شد

باز هم پنجره بسته است، تو هم بیداری
حس لبریز شدن، حس شکفتن داری
حس لبریز شدن، حس شکفتن در مه
مثل یک بر نفس گیر، فقط می باری
نیمه گم شده ات مانده در آواز غروب
لحظه هایی است که انگار تو تنها داری
آه ای فرصت ناممکن! برگرد، بیا
بیت بیت غزلم، بی تو شده تکراری
می رسی از تب این جمعه بغض آلوده
می رسی تا بدهی زخم مرا دلداری
باز هم جمعه شد و پنجره، دل واپس شد
باز هم پنجره بسته است، تو هم بیداری
ارزو شیرین زبان

### زمزمه

یک تکه از آواز خودت را
بر پنجره بنویس
تا ماه که تاییب، بخواند
تا صبح که از پشت درختان به درآمد
در خاطر خورشید بماند
تا باد به هر گوشه این خاک سفر کرد،
به مجموعه گل ها برساند
تا باغ معطر شود و
تازه تر از عید بماند
یک تکه آواز خودت را
روی لب من حک کن و
بگذار که این زمزمه جاوید بماند

سیدعلی میرافصلی

### مخفی ترین هجای زبان

گم می شدم... دلت ضریان مرا شناخت
مخفی ترین هجای زبان مرا شناخت
از پشت پرده های صبور سکوت و عشق
آرام چشم تو همچان مرا شناخت
این آخرین عقاب نر کوه های دور
با یک نگاه، برق کمان مرا شناخت
تنها کسی که شعر مرا مزه مزه کرد
تنها کسی که عمق جهان مرا شناخت
بی شک فرشته ای که تو را آفریده بود
بر روی شانه تو نشان مرا شناخت!
تنها روانه سفری دور می شدم
دستان مهدمت چمدان مرا شناخت!

نغمه مستشار نظامی

### دل‌تنگی

اجاق خاطره خاموش می شود، برگرد!
کلام عاطفه مخدوش می شود، برگرد!
نگاه روشن تو قیله گاه زیبایی است
فضای آینه مغشوش می شود، برگرد!
کیبوتری که پیام آور رهایی هاست
شکار قاجعه قوش می شود، برگرد!
دلی به حال دل باغبان نخواهد سوخت
بهار، بی تو فراموش می شود، برگرد
دلم برای غزل های ناب تو تنگ است
تمام پیکر من گوش می شود برگرد!

مرتضی امیری اسفندقه

گروه ادب و هنر- شعر امام نجوای عاشقانه روح هیجان زده و بی تابی است که در خلوت تنهایی با بکارگیری کلمات، راز دل دردمند را با محبوب باز گفته و با معبود به راز و نیاز پرداخته است. شعر امام (ره)، در ادامه آثار شاعران حوزوی سروده شده و از سبک شعری عالمان دینی پیروی کرده است. عرصه شعر علمای مذهبی، مانند شاخه ای تناور از شعر فارسی سر برآورده است. این گروه، بهترین اشعار را به ادبیات فارسی عرضه کرده اند. امام خمینی(ره) با استفاده از مضامین عرفانی، به هنجارشکنی، نوآوری و جسارت در شعرگویی پرداخته اند. ایشان البته هیچ گاه ادعای شاعری نداشتند، ولی در ادامه اسطوره های شعر فارسی ماند؛ سعدی، حافظ و مولوی به خلق اثر پرداختند. به جرات می توان گفت که اشعار ایشان، شان ادبیات و شعر را در دیدگاه جامعه بالا برد، آثار ی که سرشار از شور عرفانی و تعلیم دینی است. به همین بهانه در فرصتی که پیش آمد درباره شکل شناسی شعر امام با دکتر آرش قراقرزلو، استادیار دانشگاه پیام نور بجنورد به گفت و گو نشستیم.

**\* آیا شعر حکیمانه یا عارفانه در طول تاریخ دچار دگرگونی شده یا نه؟ آیا همان نوعی که مثلا حافظ شعر عارفانه می گفته در دوران معاصر هم امکان باز تولید دارد؟**



ببینید این درست است که این نوع شعر در طول زمان با دیگر سانی های ساختاری و معنایی مواجه شده است ولی با تمام تغییرات چند وجه متمیز بارز برجسته دارد که به اعتقاد من نخستین ویژگی آن به شکل آن یعنی «غزل» بر می گردد. غزل، ساختار برجسته ای است که از نظر شکل بیرونی و درونی، به خوبی و زیبایی توانسته است اندیشه های حکیمانه با بی رنگ عاطفی را انتقال دهد.دومین ویژگی به نظر من، ویژگی تصاویر این گونه اشعار است. تصاویر، در بیشتر شعرهای حکیمانه، به اعتبار مشرب یکسان تصور و خیال پردازی ها، لطیف غلیظی از عشق و شهود جان و جهان زلال ایمان داشته است.سومین ویژگی نوع خاص موسیقی شعر است، چرا که موسیقی شعر، در تمام گونه های ریتمیک و متریک، موسیقی های درونی و معنوی اشعار عارفانه، حالتی مجزون، سوزناک و صمیمی داشته است.باید گفت که محتوای عموم کارهای حکیمانه، اهمیت دادن به اصالت جان و رهایی از سلطه نفس درون و بیرون، دعوت به ترک ماده و هستی فانی و بسیاری از مفاهیم اخلاقی و تعلیمی با لطیف وسیع عاطفی بوده است.

**\* اجازه بدهید برویم به سراغ بحث اصلی و جستجوی این مباحث نظری در شعر امام(ره)؛ آیا شما شعر امام را هم در این حوزه دسته بندی می کنید؟**
قطعا! ببینید، امام خمینی(ره) که یک شخصیت برجسته سیاسی و مذهبی در قرن معاصر است، با وجود برجستگی ابعاد دیگر، بُعد هنری بالا و ممتازی داشته است، هم از منظر نوشتارهای مذهبی، فرهنگی و هم از نظر نقد و نظرهای پیرامون مقوله های فقهی و سیاسی و هم از نظر حس و عاطفه هایی که در بیان شعری به عبارت در آمده است. اگر چه بیشتر اشعار ایشان در طول سفرها ناپدید شده اند، اما همین اندازه باقی مانده از اشعار که بیشتر در قالب غزل است (حدود ۱۵۰ غزل) ، نوع نگاه، سبک و مکتب شعری ایشان را تبیین می کند؛ سبکی به نام «شعر حکیمانه» که به اعتبار حشر و نشر با اشعار باطنی و سعدی و مولانا، از منظر معنایی و ساختاری، بوی شعر آنان را می دهد یا وجه های متمایز و ابعادی جدید از نگاه های متغیر فرهنگ امروز و حوادث سیاسی و اجتماعی جهان معاصر. هم چنان که خود حضرت امام(ره) هیچ گونه ادعای شاعری نداشتند. شعر حکیمانه، از نخستین ظهور و بروزش یعنی از ابوسعید ابوالخیر، سنایی، حافظ و مولانا تا امروز، ویژگی های متمایز و برجسته ای داشته است که در عصر حاضر هم با حفظ تقریبی آن ها در شعر بزرگانی هم چون علامه طباطبائی، حکیم الهی قمشه ای و حضرت امام (ره) و دیگران به حیات خود ادامه داده است.

**\* آیا می شود این نوع شعر را شعر سنت گرای معاصر نامید؟ اگر با این اسم موافقتی فکر می کنید چه ویژگی هایی در این آثار وجود دارد؟**

بله، من با این عنوان موافقم. شعر سنت گرای معاصر در حال حاضر هم که جریان های مدرن و پست مدرن داعیه دار میدان داری ادبیات هستند،

در گفت و گو با استادیار دانشگاه پیام نور بجنورد بررسی شد:

## ساختار و زبان شعری امام خمینی (ره)

جریان دارند و مخاطبان زیادی را هم به خود اختصاص داده است. البته این نوع شعر با توجه به بافت، محتوا و اندیشه، در جهان معاصر به چندین دسته تقسیم می شود؛ یک نوع از این اشعار، شعر سنتی یا لحن صمیمانه است که در بیان شکایت از احوال روزگار سروده شده اند، مثل اشعار ملک الشعرای بهار و پژمان بختیاری. نوع دیگر به نظر من، شعر سنتی با بافت و تصاویر توصیف های جدید است، مثل شعر عقاب خانلری.نوع سومی که به نظر من می شود به آن اشاره کرد نوع شعر سنت گرا با دریافت های تازه از مفاهیم اجتماعی و فرهنگی است مثل دماوندیه بهار. شعر سنتی با بی رنگ های جدید از مفاهیم غنایی روزگار و لطیف تازه عشق و عاطفه، مثل غزل های شهریار، نوع دیگری است که می توانم به آن اشاره کنم. نوع دیگری که می شود در ادبیات معاصر ردیابی کرد، شعر سنت گرا با بافت و معنای افتخار به وطن و طیف وسیع حماسی و مفاخر ملی است و سرانجام می توانم به نوع شعر سنتی با مفاهیم و ساختار شعر حکیمانه و عارفانه مولانا، حافظ و سعدی که مدنظر شماست اشاره کنم که از منظر زبانی و تصویری و درونمایه ای، ویژگی به نسبت مشترکی را در طول تاریخ حفظ کرده است، مثل شعر حضرت امام (ره).عرفان و نگاه عارفانه با ژرف ساخت معنایی عشق، اصل محتوایی تمام شعرهای حکیمانه است که در آن بسیاری از مفاهیم اخلاقی و تعلیمی هم در آمیزش با تصاویر اشرافی و شهودی، رنگ لطیف جاذبه های قبول و دل انگیزی یافته است.

**\* شعر حکیمانه و عارفانه در ادبیات به هر حال یک سری شاخصه هایی دارد. شما به لحاظ محتوایی و به ویژگی های این اشاره کردید، فکر می کنید به لحاظ شکل شناسی و ساختاری این گونه اشعار به خصوص در دیوان امام(ره) چه مختصاتی دارد؟**
ببینید، ساختار به معنی نظم و پیوستگی اجزا در یک اثر است که در هنر به خاطر دلالت عاطفی، نسبت به تغییرپذیری و انعطاف ساختارها متفاوت است و به این اعتبار در طول تاریخ، مکتب و نظریه های شکل شناسی و فرمالیستی، بیش از هر مکتبی در مورد هنر مطرح شده است. از نظریات رولان بارت و فریتاک گرفته تا اسکار پیت و ... و از مکتب پراگ تا لنینگراد؛ هر پدیده با معنایی که متولد می شود، شکل خاصی خواهد داشت. این معنا می تواند از یک عنصر مادی تا انتزاعی ترین گونه ها را شامل شود؛ در هنر، به اعتبار حالت زلال، صمیمی و لغزنده عواطف و تناسب با تصاویر طبیعت و برخورداری از جانمایه های شفاف حسی، شکل بیش از تمام پدیده های دیگر متغیتر است، که در این میان، غزل، مناسب ترین ساختار برای بیان های عارفانه، عواطف حکیمانه و معنای عاشقانه است؛ که دو قالب غزل و رباعی، بالاترین بسامد را در میان دیگر ساختارهای شعری حضرت امام(ره) به خود اختصاص داده است.غزل حضرت امام(ره) نمونه ای است از گونه های عاطفی و بیان غزل سعدی و حافظ؛ آن چنان که این ساختار در شکل کلی هر غزل و حتی در ساختار هر تک بیت هم مشهود است؛ شعر امام(ره) به جهت سبک شناختی در نسبتی تنگاتنگ با شعر سبک عراقی قرار دارد و برای برشمردن ویژگی های آن از مراجعه به ویژگی های سبکی این مکتب گریزی نیست. سبک عراقی مهم ترین مکتب ادبی شعر فارسی است که در حد فاصل مکاتب کلاسیک و هندی قرارداد و از دیدگاه بسیاری از استادان و صاحب نظران نقطه شکوفایی و اوج شعر فارسی محسوب می شود. در مکتب عراقی و در سنجش قله آن یعنی شعر حافظ، دو جریان شعر عاشقانه و پارسیانه به یکدیگر درمی آمیزند و زمینه را برای برقراری پیوندی عاشقانه و لطیف با معشوق الهی و قدسی فراهم می سازند. در شعر حضرت امام(ره) نیز مهم ترین و بازرترین ویژگی می که می توان برشمرد مغزله عاشقانه شاعر با معشوق حقیقی است، به این اعتبار می توان گونه های ساختار شعری را بر ۲ دسته تقسیم کرد؛ ساختار بیرونی (که همان قالب شعری است) و ساختار درونی (که اشاره به شکل درونی شعر همراه با محورهای عمودی و افقی آن است).در شکل بیرونی، غزل با همان روال طبیعی تعداد ادبیات و هم قافیگی مصراع اول بیت اول با تمام مصراع های دوم ادبیات دیگر مشهود است. در این گونه شکلی، غزل به تناسب ظرفیت، حالت انعطاف پذیری، عواطف و معنای گوناگونی را پذیرفته است و غزل امام(ره) بیشتر در طیف غزل های عارفانه با جاشنی ظریفی از بصیرت های قلندرانه است. اما این عواطف عمیق و قلندر گونه بیشتر در شکل درونی غزل نمایان می شود، به خصوص وقتی که در چیدمان ترکیبی و تصویری شعر، زبان با مجموعه ای از کلمات ساقی، مرید، میکده، مطرب، خرقة و میخانه همراه می شود. مثلا به این بیت دقت کنید:

سرم باز کن و ساغر لبریزم ده

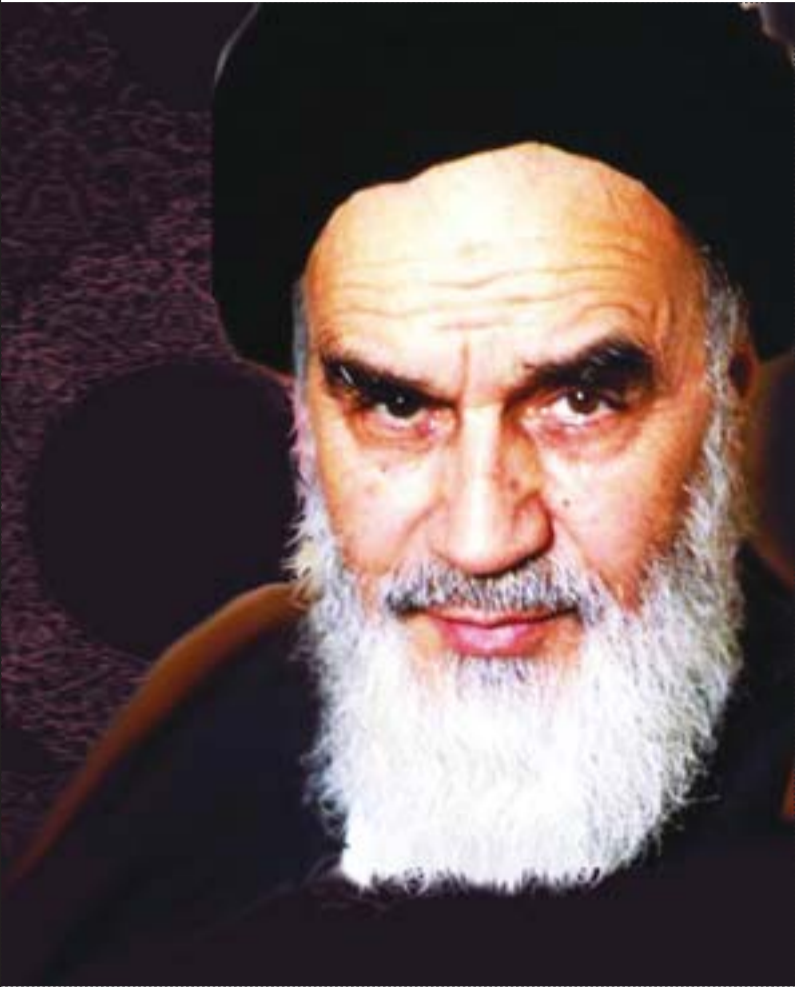
که بجز تو سر پیمانه و پیمانش نیست

یا

ساقی و میکده و مطرب و دست افشانی

### ادب و هنر

## خراسان شالی



وقتی دریا‌های کشف و شهود عشق سرشار و سرریزی می‌شود، زبان فریادها می‌دارد که: چه دانستم که این دریا مرا زین سان کند مجنون
دل‌م را دوزخی سازد ، دوچشمم را کند جیحون
و به گونه‌های متناقض این پارادوکس را بیان می‌کند که:
اینه‌ام آینه‌ام مرد مقالات نیم
دیده شود حال من، ار گوش شود چشم شما

غزل امام(ره) از حیث رمزناکی و کاربرد واژگان نماد گونه و رمزی، حالتی مشابه غزل مولانا و حافظ دارد، چرا که نوع تجربه های حسی و عارفانه از مشرب بی رنگ و زلال است و اگر بخواهیم گونه های دقیق و ظریف زبان رمزی شعر عارفانه سنتی را بیان کنیم، با کم و بیشی اختلاف بیشتر آن‌ها در غزل امام(ره) حضور دارند:

ما زاده عشقیم و پسر خوانده جامیم
در مستی و جان بازی دلدار تمامیم
این خرقة ملوث و سجاخه ربا
آیا شود که بر در میخانه بر دژم
لب چون چشم گل باز کن و فاش بگو
بیز آن نقطه که کار من و دل مشکل کرد
بگیر دامن خورشید را دمی ای صبح
که نه نهاده سر خویش را به دامانم
به این اعتبار، زبان شعر امام(ره)، به خصوص در غزل، از نظر رمزناکی، داشتن بار معنایی و زیباشناسی خاص، مثل بار معنایی ایهام و استعاره و کاربرد زبان صحو، سُکر، پارادوکس و نمادگرایی و هم چنین کاربرد واژگان در معنای مجازی و ثانوی آن‌ها، نمونه ای است برجسته از غزل عارفانه و حکیمانه سنتی که شاخه پر باری از این غزل حکیمانه در شعر معاصر تداوم و تکامل یافته است بررسی تمام دقایق تصویری و شیوه‌ها و این جاست که مولانا می‌گوید:
هرچه تفسیر زبان روشنگر است
لیک عشق بی زبان روشن تر است
و به خاطر همین ضعف و کوچکی زبان است که

**مجتمع تولید و پرورش شترمرغ**

**سایا ایران**

**بزرگترین و مجهزترین مزرعه پرورش شترمرغ در استان خراسان شمالی**

**فروش مرغوبترین نژاد اصلاح شده کانادا (گردن آبی) از جوجه تا مولد**

**ارانه انواع چیره های غذایی و کنترل سلامت و نظارت پرند ها**

**مشاور و مجری احداث و تجهیز مزارع**

**شتر مرغ دامی برای آینده و سومین صنعت بی ضرر دنیا**

**مدیر عامل : شایگان**

۹/۱۱۰۲۹۶

**دفتر مرکزی: بجنورد / چهارراه امیریه / تلفکس: ۰۵۴۴-۲۲۳۴۵۰۰**

**۰۵۴۴ ۱۸۴ ۹۱۵ ۱۸۴ - مخابرات: ۰۴۷۵-۹۱۵۱۸۴** • کارشناس مزرعه

**یک سرمایه گذاری مطمئن**

در مورد مفاهیم عارفانه و زبان شعری غزل، مبحث بسیار است، اما نکته اصلی این جاست که چون قلب شخص عارف، محل ورود حال ها و عواطف از جهان فراتر است، این شکل و ساختار وقتی در زبان و بیان شعر عبارت می شود، به یک تصاویر و گونه کاربردی تصویر، ریتم افقی غزل، نمادها، زبان رمزی و ... خلاصه می شود؛ ایجاد خلاقیت و ابتکار در محور عمودی غزل در طول تاریخ شعر فارسی، با ظرافت های خاص و دقیقی انجام پذیرفته است، مانند نحوه و حالت شروع و پایان دادن به یک شعر بافت منقطع با قدرت تفسیری و تاویلی بالا، تصرف در ترتیب و تدریج زمانی روالم منطقی حالات شهودی و دگرگونی هایی که باعث دل انگیزی شعر می‌شود، اما محور افقی یک حرکت مستقیم در جریان خطی و افقی شعر است و در غزل بیشتر محور افقی قوی است، به خاطر آن که وزن‌ها سنگین و طولانی و فضای تصویری بیشتر می‌شود و زبان، نرم و سنگین است.

**امام(ره) بیشتر از کدام یک از این امکانات شاعری استفاده کرده است؟**
از آن جا که غزل عارفانه، یک شکل منسجم و قابل قبولی در طول تاریخ شعری است و مبانی و اصول هنری مخصوص به خود را ثبت و حک کرده است، حضرت امام(ره) بیشتر شعرهایش را در این شکل بیان کرده که در بیشتر موارد از منظر زبانی، تصویری، آهنگ و ریتم کلام و عبارات، نمونه ای است از شعرهای شاعرانی هم چون سعدی و مولانا و کمتر تغییرات و تحولات زبان و تصویری جدید مشاهده می‌شود که بتوانند این شکل مشخص را بشکنند. شکل درونی غزلیات امام(ره)، وحدت حال و تصاویر دل انگیز و حتی ساختا ها و ترکیبات کلمات و تصاویر را هم از شعر سنتی به وام گرفته است، اما به این زیبایی‌ها، باید این نکته را هم افزود که در بسیاری از این غزلیات، مفاهیم انقلاب و حوزه های جدید فرهنگی و نگرش های عارفانه هم داشته اند اما در ک شکل درونی غزل امام(ره)، حالت سنت گرایی با بافت مخصوص و زبان رمزواره و نمادگرایی حکیمانه دارد؛ ببینید:

یک امشب می که در آغوش شاهد شگرم
گرم چو عود برآتش نهد غم نخورم
امام(ره):

یک امشب می که در آغوش ماه تابانم
زهر چه در دو جهان هست روی گردانم
حافظ:
خمی که ابرویی شوخ تو در کمان انداخت
به قصد جان من ناتوان انداخت
امام :

خم ابرویی کجست، قیله محراب من است

تاب گیسوی تو، خود را ز تب و تاب من است

برقرار ای پندگی، تیوغ‌ها و خلاقیت های شکلی

غزل، تصاویر و زبان و موسیقی نقش خاصی خواهد داشت که بررسی قافلیق آن، از حوصله بحث خارج است. اما به طور کلی شعرها به خصوص غزلیات حضرت امام(ره) از نظر ساختار درونی، بیرونی و پیوستگی‌ها و نظم میان ابیات و سازگاری تناسب‌ها و عناصر هنری و ادبی در حوزه شعر عرفانی، مقام برتری دارد که یکی از دلایل اصلی شهرت بسیاری از غزلیات ایشان، به خاطر همین پیوستگی و نظام ساختارهای شعری است که در ذهن‌ها و قلب‌ها خوش نشسته است.

**یک ویژگی بارز دیگر اشاعر عرفانی، زبان رازآلود و واژگان رمزی آن‌هاست؛ آیا شعر امام(ره) از این ویژگی عام ادبیات عرفانی برخوردار است؟**
ببینید، مارتین هایدگر در کتاب «فلسفه شعر» می‌گوید: شعر کلمه تازه مردمان است و معنا و ماهیت کلمات را باید از طریق شعر شناخت و دریافت. هر آن‌چه که جدید متولد می‌شود، بدون تردید، شکل و حجم اولیه آن حالت انبساط گونه خواهد داشت، این ارتجاع و انبساط پدیده ای جدید از منظر بافت درونی، در مورد زبان و تصاویر بیش از هر جریان‌ی صادق است. زبان طی مراحل سبکی و مکتبی، تاریخ طولانی را طی کرده تا به یک اقتصاد و ساختار خاص در هر مورد رسیده است؛